

# شهرزاد

هفتنامه مجازی

شماره هفتم - جمعه ۲۰ مرداد ۱۳۹۶

مهدی سلطانی: برای دقیقه به دقیقه سریال، خاطره و جدل داریم

مخاطب خاص: مدیران فیلمبرداری

اینفوگرافی: مردان در آینه شهرزاد

پای اکرم و شیرین هم به کامنت مخاطبان باز شد



## هفته‌نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سردبیر: سید محمد صادق لواسانی

تحریریه: سپیده حیدرآبادی، شراره داودی، سارا کنعانی و پریسا چیدری  
باسپاس از مسعود رفیع زاده و عرفان بهکار

طراح گرافیک: علی شکوری

عکس: نوشین جعفری

با همکاری محبوبه حاتمی

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: [www.shahrazadseries.com](http://www.shahrazadseries.com)

تماشای آنلاین و قانونی: [www.lotusplay.ir](http://www.lotusplay.ir)

اینستاگرام: [instagram.com/shahrazadseries](https://www.instagram.com/shahrazadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrazadseason2>

هفته‌نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrazadContact](https://t.me/ShahrazadContact) ارسال کنید



## فهرست

۳ یادداشت: فرشته طائرپور

۴ خبر

۵ بازتاب

۶ گزارش: بازیگران شهرزاد در میان مخاطبان

۸ گفت‌وگو با عوامل: علیرضائسانی

۱۲ فضای مجازی

۱۴ از نگاه منتقد: سحر عصرآزاد

۱۶ کامنت: پای اکرم و شیرین هم به کامنت مخاطبان باز شد

۱۸ ذره بین: هنوز عشق حرف آخر را می زند

۲۰ اینفوگرافی: مردان در آینه شهرزاد

۲۲ عکس نوشت: قسمت هفتم

۲۴ مخاطب خاص: فیلم‌داران

۲۸ باهالی رسانه: خبرنگاران ادبیات

۳۰ قالب آینده: قسمت هشتم

◀ فرشته طائرپور / تهیه کننده

چرخ‌های سیاست در دهه‌های سی و چهل افتاده و دلشان برای همه شه‌زادها و شیرین‌ها و آذرهای پشت دیوارهای کوتاه و بلند، تنیده است؛

برای امثال من که در میان مردان این روزگار، نه قبادی می‌یابند، نه فرهادی... اما بجایش در میان زنان این دوران، ده‌ها شه‌زاد و آذر و شیرین می‌شناسند که این بار خود در کار ویرانی روح یکدیگرند.

برای امثال من که در دیار باید‌ها و شرط و مشروط‌های بالا زندگی می‌کنند، "شه‌زاد"، بمثابه یک تنفس مصنوعی بود در هوای سنگین و بی‌نسیم رسانه ملی، که علائم حیات را در ذائقه انواع مختلف مخاطب، به بروز واداشت.

آثار سریالی حسن فتیحی، بدون استثنا، اینگونه بوده‌اند. شلوغی دلنشینی داشته‌اند از آمد و رفت شخصیت‌هایی که یا آشنا هستند و یا از آشنایی با آنها خرسند و سرگرم می‌شویم... و لحظاتی تاثیرگذار از جدلهایی که منطقی و ادبیات‌زنگار بسته مخاطب را جلا می‌دهد.

خطوط قصه‌های موازی و متقاطع، روابط ساده و پیچیده

باید در عرض و طول عمرت، حظی از عشق برده باشی، یا رنجی از جدایی و جورزی از جفا کشیده باشی، یا حسرت و هراس همه این‌ها به جانت افتاده باشد، تا یک سریال خوب رایبسنندی و مشتاق و معتاد به تماشا باشی شوی؛

باید در کودکی توی خانه‌ات تلویزیون آمده باشد و در نوجوانی به طلسم تماشای سریال‌های خوب خارجی و ایرانی گرفتار شده باشی تا کشف تفاوت‌های ذاتی سینما و سریال، و تو را به درک درستی از لذت تماشا رسانده باشد و ماه‌ها برای دیدن هر قسمت یک سریال، یک هفته انتظار بکشی؛

باید توقعات را از زبان جذاب و موجز و پرهیجان سینما در روایت قصه‌های غریب و غیرمتعارف روی پرده بزرگ، و انتظارات را از زبان دلنشین و مفصل گو و هم‌طیش با زندگی واقعی سریال معلوم کرده باشی، تا با حوصله برای شناخت شخصیت‌های دائمی و گذرای یک سریال به

## در هوای سنگین و بی‌نسیم رسانه ملی



شخصیت‌ها، تعلیق‌های نفس‌بر در بزنگاه‌های عشق و انتقام... و البته بازی‌های ستاره‌ساز، عیار درستی را در معجون سریال‌های فتیحی دارند.

فتیحی کارش را خوب بلد است، آغاز نیکو و تداومی رو به ارتقا... با غافلگیری‌های بموقع و اوج و فروندهای برآمده از عشق و نفرت، رنج و لذت... همه در بستر سنت و سیاست. سریال‌های فتیحی، مانند همه سریال‌های خوب انگلیسی، مدام گره‌شان کورتر و گشودن گره‌ها پشان دشوارتر می‌شود.

لذا فصل دوم "شه‌زاد" نیز در رعایت این رسم، نمی‌تواند آسان به کار خود ادامه دهد و به دستاوردهایی مشابه فصل اول اکتفا کند؛ فتیحی خودش توقع مخاطب را بالا برده و قله رفیعی را برای صعود ماجراجویش انتخاب کرده. امید که باز موفق باشد.

و در پایان، انصاف حکم می‌کند که به متن ممتاز نویسنده، تولید حرفه‌ای سریال و پخش منظم آن در گستره‌ای بی‌نیاز از فعالیت بازار قاجاق اشاره کنم.

خودت مهلت بدهی و کنجکاو و سرنوشت‌شان توی قاب کوچک تلویزیون، یامونیتور کامپیوترت بشوی؛

باید رسانه ملی کشورت دورهای طولانی در ایجاد انواع روابط عاطفی و اخلاقی و هنری، عاجز و الکن شده باشد و زبان سریال گویش بیش از همه زبان‌های دیگرش به لکنت و هجو افتاده باشد، تا تو رفتن به سوپرمارکت سر کوجهات را برای خرید قسمت-قسمت یک سریال، به تعویض بی‌نتیجه کانال‌های آن ترجیح بدهی.

برای امثال من که هنوز می‌توانند سوار بر اسب قصه، به مکاشفه گذشته‌های ناشناخته بروند و "حال" خود و دیگران را در آن جستجو کنند و بیابند.

برای امثال من که هر روز با افسوس شاهد کم رمقی جوانان سرزمینمان در تجربه به عشق‌های شورانگیز و پایمردی‌های عاشقانه هستند،

برای امثال من که چهره واضح و بی‌پرده سیاست‌را اولین بار در سال ۵۷ در کوچه و خیابان شهرشان دیده‌اند و سپس به صرافت دلدادی‌های نیمه کاره و قربانی شده لای

## حسن فتحی و پرومته‌های شجاع!

حسن فتحی در پیام تبریک خود که به مناسبت روز خبرنگار به رشته تحریر درآورده بود، نوشت: «خبرنگاران پرومته‌های شجاع و حقیقت‌طلب زمانه ما هستند؛ آنها آتش مقدس آگاهی را برغم همه مخاطرات، به میان مردم برند و از طریق گسترش جریان آزاد اخبار و اطلاعات، امکان توسعه بیشتر فرهنگ بشری را فراهم می‌سازند. روز خبرنگار مبارک و خجسته باد.»

## تبریک روز خبرنگار توسط تهیه‌کننده «شهرزاد»

سیدمحمد امامی، تهیه‌کننده سریال «شهرزاد» نیز ضمن تبریک روز خبرنگار به اصحاب رسانه، نوشت: «در این روزگار که فضای مجازی می‌تواند زشتی‌ها، زیبایی‌ها، کژی‌ها و راستی‌ها را در همه حوزه‌ها در هم آمیزد، اصحاب رسانه وظیفه خطیری را برعهده دارند و گاهی ممکن است در مسیر انجام وظیفه سترگ خود، حتی به آنچه نباید متهم شوند، که شدند. در این روز خجسته، امیدوارم که نامالیقات شغلی همه اصحاب رسانه واقعی را بر ایستادگی بیشتر بر اصول حرفه‌ای خود ترغیب کند. دو سال گذشته که با «شهرزاد»، اسباب زحمت را فراهم کردیم، فکر نمی‌کردیم که روزی بهترین و همراه‌ترین دوستان مان را خبرنگاران واقعی و اصحاب رسانه تشکیل دهند و از این بابت خدا را شاکر هستیم، از صمیم قلب امیدوارم که سلامت و سرزنده به فعالیت حرفه‌ای خود ادامه دهید.»

## دانلود غیرقانونی سریال «شهرزاد» حرام است

اگرچه دانلود غیرقانونی سریال در سایت‌های اینترنتی تا حد زیادی کنترل شده است اما کانال‌های تلگرامی که نظارت چندانی روی آن‌ها صورت نمی‌گیرد، هر هفته قسمت‌های جدید «شهرزاد» را به صورت رایگان برای دانلود منتشر می‌کنند. طبیعی است که دست‌اندرکاران «شهرزاد» که تلاش می‌کنند اثری در خور را فراهم آورند، از این دانلود راضی نیستند. در واقع دانلود غیرقانونی سریال، به هر شکل، حرام و غیرشرعی خواهد بود.





سینما و تلویزیون نیز بازتاب فراوانی در رسانه‌هایی مانند ایلنا، میزان، دنیای سینما، سوره سینما، سینما سینما، میزان، برنا، شبستان، پانا، روزنامه شهروند، بانی فیلم و صبا داشت.

● اینفوگرافی «زنان در آینه شهرزاد» نیز که در هفته‌نامه شماره قبل منتشر شد نیز نگاه‌ها را به سمت خود کشاند و بازتاب خوبی در فضای مجازی و مخصوصاً اینستاگرام داشت.

● در روزهای گذشته، روزنامه هنرمند گزارش جامعی را درباره سریال شهرزاد منتشر کرد. این گزارش توسط سپیده آماده نوشته و با تیتراژ «ملودرامی عاشقانه در بستر تاریخ» منتشر شده بود.

● خبرگزاری برنا نیز پس از عرضه قسمت هفتم سریال، در گزارشی که توسط یکی از منتقدان به رشته تحریر درآمده بود، نقاط قوت و ضعف فصل دوم شهرزاد را مورد بررسی قرار داده بود.

● بدون شک، ۱۷ مرداد به عنوان روز خبرنگار، مهم‌ترین اتفاق هفته گذشته در عرصه رسانه بوده است. بر همین اساس پیام تبریک حسن فتحی کارگردان مجموعه شهرزاد در خبرگزاری‌های مختلف و مخصوصاً در فضای مجازی بازتاب زیادی داشت.

● همچنین در این هفته و به مانند هفته‌های قبل، اخبار مربوط به رونمایی سریال در پردیس سینمایی کورش بازتاب خوبی داشت. این اکران مردمی که با حضور مهدی سلطانی، فریبا متخصص، رویا نونهالی و نهال دشتی برگزار شد، بازیگران با شاخه‌های گل رز در کنار مخاطبان به تماشای قسمت هفتم این سریال نشستند.

این خبر، در کنار عرضه قسمت جدید سریال در خبرگزاری‌های مختلف از جمله مهر، ایلنا، ایسنا، برنا، پانا، باشگاه خبرنگاران، سینماپرس،

میزان، بانی فیلم، خبرگزاری صبا و هنرانلاین بازنشر قابل توجهی داشت.

● گزارش دیگر رسانه‌ها از سریال شهرزاد به نظر تهیه‌کنندگان درباره این مجموعه

اختصاص

داشت که با تیتراژ

«شهرزاد ریسک بزرگی

در سریال‌سازی بود» منتشر شد.

این گزارش در چندین رسانه بازنشر داشت.

● در میان مطالب دیگر هفته‌نامه شماره قبل، یادداشت محمدعلی کشاورز بازیگر پیشکسوت

## هفته پُر شهرزاد رسانه‌ها





مهدی سلطانی در اکران مردمی قسمت هفتم در کورش:

# برای دقیقه به دقیقه شهرزاد، خاطره و بحث و جدل داریم



◀ پریساجذری

اکران مردمی هفتمین قسمت از فصل دوم این سریال، یکشنبه شب (۱۵ مردادماه) در پردیس سینمایی کورش برگزار شد و بازیگران سریال در حالیکه شاخه گل‌های رز هدیه گرفتند، در کنار مردم به تماشای قسمت جدید این مجموعه نشستند. در این مراسم که با استقبال بسیار خوبی از سوی مخاطبان روبرو شده بود، مهدی سلطانی، رویا نونهالی، فریبا متخصص و نهال دشتی از میان بازیگران، و سیدمحمد امامی تهیه‌کننده این مجموعه حضور داشتند.



● پیش از آغاز نمایش قسمت جدید، بازیگران روی سن رفتند و ریونونهالی در ابتدا ضمن ابراز خرسندی از تماشای قسمت جدید در کنار مخاطبان گفت: دیدن سریال در کنار شما خیلی عالی و لذت بخش است. خیلی خوشحالم که اینجا هستیم و خوشحالم که شما هستید.

وی افزود: آقای حسن فتحی خیلی به من لطف دارند و هر هفته همه منتظر هستیم تا ببینیم چه اتفاقاتی در قسمت های جدید رخ می دهد.

● فریبا متخصص نیز در سخنانی بیان کرد: خوشحالم که در کنار مخاطبان سریال، قسمت جدید آن را تماشا می کنم. باید همینجا به همه همکاران خوبم به خصوص آقایان حسن فتحی و محمد امامی خسته نباشید بگویم.

● در ادامه، مهدی سلطانی با تأکید بر اینکه تماشای «شهرزاد» در کنار مخاطبان، تجربه فوق العاده ای است، اظهار کرد: ما همه در تلاشیم تا شما هر هفته در یک ساعت، یک قسمت از شهرزاد را تماشا کنید ولی ما برای دقیقه به دقیقه آن، خاطر، بحث و جدل داریم.

وی تصریح کرد: همه سختگیری ها در تولید شهرزاد، برای بالاتر بردن کیفیت کار است تا شهرزاد روز به روز بهتر شود. با حمایت مخاطبان قطعاً این روند رو به رشد وجود خواهد داشت. این بازیگر سینما و تلویزیون با ابراز امیدواری از حمایت مخاطبان از فیلم ها و سریال های با کیفیت گفت: فیلمنامه هایی چه بسا بهتر از شهرزاد هستند که می توانند ساخته شوند. با حمایت مخاطبان از ساخت این مجموعه ها، سرمایه گذاران تشویق می شوند تا کار با کیفیت تولید کنند.

● نهال دشتی هم با تشکر از حسن فتحی برای اعتماد به او، عنوان کرد: به عنوان کوچکترین عضو مجموعه شهرزاد از آقای فتحی و محبت تمامی مخاطبان سریال تشکر می کنم.



علیرضا نسایی، مدیر برنامه‌ریزی شهرزاد:

# همه چیزدان پروژه شهرزاد هستم!



◀ شماره داودی

علیرضا نسایی با اینکه حجم زیادی از هماهنگی‌های پروژه‌های تصویری را انجام می‌دهد، اما از آن دسته افرادی است که از دیده شدن فرار می‌کند. اصلاً برای همین مصاحبه هم خیلی راضی نبودم و می‌گفت که نباید با او صحبت کنیم! از او درباره کار مدیر برنامه‌ریزی پرسیدیم و صحبت‌های مان به نحوه ورودش به برنامه‌ریزی و علاقه‌ز یادش به پروژه شهرزاد که سخت‌ترین کارش نیز بوده، رسید. در ادامه، گفت و گوی هفته‌نامه شهرزاد را با علیرضا نسایی می‌خوانید:







### ■ مدیر برنامه ریزی دقیقاً چه کاری را باید در یک پروژه انجام دهد؟

از آفیش روزانه‌ای که برنامه هر روز افراد را مشخص می‌کند تا برنامه ماهیانه‌ای که گروه تولید، صحنه و بازیگرها نیاز دارند را باید انجام دهیم. از طرفی هماهنگی لوکیشن‌ها برای گروه طراحی صحنه با مدیر برنامه ریزی است؛ در کارهای سنگینی مانند «شهرزاد» حتی ما باید سه لوکیشن جلوتر را هم آماده داشته باشیم، چون اگر آماده نباشد و کوچکترین اتفاقی باعث از دست رفتن لوکیشن بشود، ممکن است کار تعطیل شود. همیشه باید گروه صحنه چند لوکیشن، جلوتر از گروه تولید باشند. نکته‌ای که در کارهای پر بازیگر وجود دارد این است که چون بازیگرها در همه زمان‌ها در اختیار گروه نیستند، برنامه آن‌ها را باید بدانیم که هماهنگی‌ها انجام شود. برآورد زمانی که از کار باقی مانده را باید بدهیم. زمان مفید روزانه را محاسبه کنیم و به تهیه کننده بگویم چقدر زمان باقی مانده است تا کار تحویل داده شود. مدیر برنامه ریزی با کارگردان و گروهش رابطه مستقیم دارد تا محل فیلمبرداری که نیاز دارند را حاضر کند و بازیگرها را بر اساس فیلمنامه یا خارج از آن، برای هر صحنه خبر کند.

### ■ در حقیقت کار شما با مدیر تولید در یک رابطه تنگاتنگ است؟

دقیقاً. کارمان مانند کلافی در یکدیگر است. مدیر تولید، برنامه‌ای که مدیر برنامه ریزی در اختیارش قرار می‌دهد را اجرایی می‌کند و اگر در این مسیر نتواند کار را پیش ببرد، یعنی برنامه مدیر برنامه ریزی اجرایی نبوده است. من می‌توانم برنامه‌های زیادی را حاضر کنم، اما برنامه باید قابل اجرا باشد. برای مثال لوکیشنی که یک ماه دیگر می‌خواهیم، باید از چه زمانی خبر بدهیم که محل را برای فیلمبرداری حاضر کنیم؟ برنامه‌های بازیگرها را هم باید بدانیم که قرارداد هر کدام قرار است جلسه‌ای باشد یا ماهیانه.

### ■ شما در تمام جلسات بازیگرها و گروه‌های صحنه و لباس و لوکیشن حضور دارید، درست است؟

من به نوعی همه چیزدان پروژه هستم!

### ■ این حجم از کار را چطور انجام می‌دهید؟

به راحتی! (می‌خندد) تلفن ۲۴ ساعته زنگ می‌خورد و در حال کار هستم!

### ■ در این صورت چه چیزی شما را در این کار نگه می‌دارد که بخواهید ادامه دهید و شغلتان را عوض نمی‌کنید؟

کار سخت است، اما من واقعا آن را خیلی دوست دارم،



گفت و گو با عوامل



این جمله کلیشه‌ای که می‌گویند عاشق کارشان هستند را من هم می‌گویم؛ واقعا عاشق کارم هستیم. از طرفی شهرزاد به قدری گروه دوست داشتنی و خوبی دارد که با وجود سخت بودن کار، آدم انرژی بیشتری بدست می‌آورد. خود من سعی می‌کنم همه کارهایم را قبل از رسیدن به خانه انجام دهم، اما معمولا این طور نمی‌شود و کلی تلفن و کار هم برای خانه می‌ماند!

■ کمی درباره خودتان و کارهایی که انجام داده‌اید، بگویید.

از سال ۷۹ به انجمن سینمای جوان می‌رفتم و فیلم کوتاه هم ساختم. اما کار حرفه‌ای را از سال ۸۳ شروع کردم. در این سال‌ها در کارهایی چون سریال «شوق پرواز» به کارگردانی ید... صمدی در کنار حمید مرتضد دستیار برنامه‌ریز بودم. در سریال «سقوط آزاد» به کارگردانی علیرضا امینی، برنامه‌ریز بودم. در فیلم‌های سینمایی «بیگانه» و «آسمان زرد کم عمق» به کارگردانی بهرام توکلی و «ابد و یک روز» به کارگردانی سعید روستایی نیز حضور داشتم.

■ احتمالا از ابتدای کار در سمت برنامه‌ریز پروژه نبودید، چطور شد که وارد این بخش از کار شدید؟

من در دانشگاه بازیگری خواندم، به کارگردانی علاقه داشتم و به همین دلیل دستکاری کارگردان را شروع کردم، اما سال ۹۰، حمید مرتضد که امروز دیگر در بین ما نیست، برنامه‌ریزی سریال «شوق پرواز» را بر عهده داشت. من قبلا با او به عنوان دستیار کارگردان کار کرده بودم و برای این پروژه کمک خواست؛ چون حال خودش

خیلی خوب نبود. این اولین تجربه برنامه‌ریزی من بود و این طور بود که وارد این دنیا شدم و به آن علاقه پیدا کرده بودم.

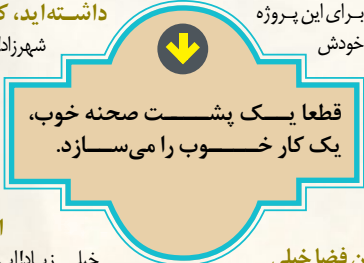
■ روند حضورتان در این فضا خیلی جالب بوده، باز یگیری می‌خوانید، به قصد کارگردان شدن دستکاری می‌کنید، اما در نهایت برنامه‌ریزی را تجربه می‌کنید و در

■ آن می‌مانید و به نظر می‌رسد خیلی هم راضی هستید!

من از این کار خیلی راضی هستم! می‌دانید خوبی «برنامه‌ریزی» چیست؟ اینکه در همه کارهای پروژه هستیم و از همه آن‌ها خبر داریم. همین باعث می‌شود چیزهای جدید یاد بگیرم. مثل دستیار نیست که حتما سر صحنه حضور داشته باشید و از بخش‌های دیگری خبر بمانید. در برنامه‌ریزی می‌توانی دورتر بایستی و همه چیز را از فاصله ببینی و یادگیری. شخصا معتقدم که یادگیری در برنامه‌ریزی خیلی بهتر اتفاق می‌افتد.

■ سخت‌ترین پروژه‌های که تا امروز داشته‌اید، کدام بوده است؟

شهرزاد



قطعا یک پشت صحنه خوب، یک کار خوب را می‌سازد.

■ حجم خاطرات خوب و بد زیادی هم از «شهرزاد» دارید، درست است؟

خیلی زیاد! این خاطرات به قدری زیاد هستند که با پیشنهاد آقای فتاحی در حال مکتوب کردن آن‌ها هستیم!





انجام می‌دهیم، ندارد. من فکر می‌کنم همین که آدم در کاری حضور داشته باشد که موفقیت کسب می‌کند، خیلی اتفاق جذابی است؛ کار کردن با کارگردان و بازیگری که در کارشان موفق هستند، خیلی مثبت است. در عین حال هم باید بگویم شخصا از اینکه در خفا کار کنم، خیلی بیشتر لذت می‌برم، چون احساس می‌کنم دیده شدن با خودش غذایی را هم می‌آورد که دلم نمی‌خواهد آن را تجربه کنم. به همین دلیل از کاری که انجام می‌دهم، لذت می‌برم و علاقهای هم ندارم همه من را بشناسند. معتقدم این کار با همکاری گروه به نتیجه می‌رسد و موفقیت زمانی بدست می‌آید که همه اعضای گروه، کار خودشان را به درستی انجام داده‌اند. قطعا یک پشت صحنه خوب، یک کار خوب را می‌سازد.

**■ از «شهرزاد» برای مان بگوید، شما چه چیزی در آن را بیشتر دوست دارید؟**

من شهرزاد را خیلی دوست دارم و حتی دلیلش را هم نمی‌دانم! روی آن غیرت دارم و برایم مهم است. شاید به خاطر آدم‌هایش باشد یا فضایی که دارد. چون به هر حال نگاهی که ما به مجموعه داریم با نگاهی که مردم دارند، فرق می‌کند. ما در فضای آن هستیم و از داستان خبر داریم، ولی با اینهمه شهرزاد برای من خیلی عزیز است و می‌توانم بگویم این احساس را با هیچ کار دیگری نداشتم.

**■ خودتان هم هر قسمتی که منتشر می‌شود، می‌بینید؟**

بله حتما! با اینکه در زمان فیلمبرداری حضور دارم، روی میز تدوین فیلم را می‌بینم، در موسیقی و صداگذاری هم فیلم را می‌بینم، اما نسخه نهایی را که دوشنبه‌ها به مغازه می‌آید، می‌خرم و می‌بینم! به نظرم خرید شهرزاد و دیدن آن جذابیت زیادی دارد. البته سعی می‌کنم این بار با یک فرد دیگر آن را تماشا کنم و حواسم به واکنش‌هایی که نشان می‌دهد هم باشد.

**■ یعنی می‌خواهید منتشر کنید؟**

بعید می‌دانم. بیشتر از جهت ثبت کردن خاطرات و اتفاقاتی است که در این مدت برای گروه افتاده است و احتمالا جذابیت آن هم برای کسانی است که خودشان حضور داشته‌اند.

**■ اگر زمان به عقب برگردد، باز هم همین مسیر را طی می‌کنید؟**

من قطعاً همین مسیر را دوباره انتخاب می‌کنم.

**■ البته نکته‌ای که وجود دارد این است**

که به هر حال باز بگری که جلوی دوربین است و دیده می‌شود. در نهایت باز بگر

بیشتر در ذهن مردم می‌ماند تا کسی که پشت دوربین

همه هماهنگی‌ها

را انجام داده است؛

نگاه خودتان به این

دیده نشدن کاری

که انجام می‌دهید،

چیست؟ هیچ وقت

نخواستید مورد

توجه قرار بگیرید؟

این حسی که از آن حرف می‌زنید، گاهی اوقات

به سراغ آدم می‌آید؛ ولی هیچ تأثیری در کاری که

↓

**حجم خاطر اتم از شهرزاد به قدری زیاد است که با پیشنهاد آقای فتحی در حال مکتوب کردن آن‌ها هستیم**



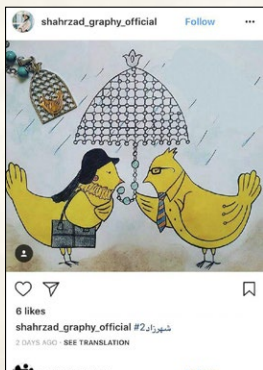




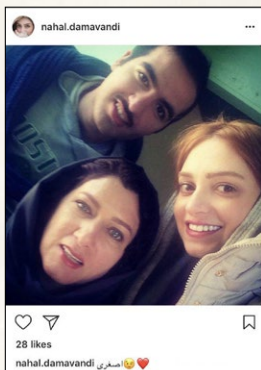
اکران مردمی قسمت هفتم شهرزاد که نهال دشتی در اینستاگرام به اشتراک گذاشته است



عکس گلاره عباسی از جشن تولد محسن چاوشی



طرح جالب یک مخاطب با گردنبنده مرغ آمین



اصغری در یک عکس از پشت صحنه



ماشین هاشم خان دمانودی در پشت صحنه سریال در شهرک سینمایی غزالی



قسمت هفتم سریال شهرزاد که لب تاقچه جا گرفته است







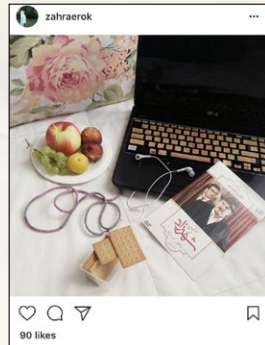
شهرزاد، چرا نمیخواهی بفهمی؟ فرصتی که توی زندگی از دست رفت، واسه همیشه از دست رفته.



هزار و یک شب و قصه های شهرزاد از نگاه یک مخاطب



مخاطبی که می گوید خاموش کردن ماشین در این صحنه توسط شهرزاد، او را یاد روز اول رانندگی اش انداخته است



دلبسته یک مخاطب به همراه کاور قسمت هفتم سریال (انطور که دل خودتان می خواهید زندگی کاری که خودتان دوستش دارید را انجام دهید).



مخاطبی که طرفدار قباد است چون به نظر ایشان، قباد جدیدی به راحتی از عشقش به شهرزاد صحبت می کند



پرتره از شهرزاد با بازی ترانه علیدوستی



# رقصنده با گذشته

◀ سحر عصر آزاد

«همسایه‌ها» و «پهلوانان نمی‌میرند»، رشته محکم پیوند خود را با گذشته و گذشته بازی آشکار کرد و در عین حال نشان داد که تبحر خاصی در پرداخت خطوط عاشقانه ظریف بر بستر قصه‌هایی پرشخصیت و دراماتیک دارد.

این علقه به تدریج در «شب دهم»، «مدار صفر درجه» و «میوه ممنوعه» به شکل پررنگ‌تری خودنمایی کرد. هرچند نمی‌توان همین نکته را به عنوان ویژگی اصلی فیلم‌های سینمایی او ذکر کرد اما همچنان رگه‌های این دغدغه‌مندی با شدت و ضعف در چهار فیلمی هم که ساخته، قابل ردیابی است.

با این پیش‌زمینه، گام نهادن در وادی

سریال «شهرزاد» رجعتی است به قصه‌گویی روان بر بستری نوستالژیک که خوانشی جدید و جذاب از کلیشه‌ای‌ترین تصویر عشق

یعنی مثلث عاشقانه ارائه

داده و در دراماتیزه کردن

این مسیر پر جزئیات،

موفق ظاهر

شده است.

حسن فتحی از همان

مجموعه‌های آغازین

کارش همچون



نویسنده و کارگردان با درک این انتظار و طبعاً جای خالی وزنه سنگینی همچون بزرگ آقا در جذابیت و پیشبرد درام که با حضور علی نصیریان قوی‌تر و تأثیرگذارتر هم شد -، تصمیم گرفتند در فصل دوم چند شخصیت جدید را به فراخور روند داستان وارد کار کنند تا در عین پرداختن به پیچ و خم‌های درام عاشقانه‌ای که دنبال می‌شود، این منش و جنس زندگی پدرخوانده‌ای؛ ابعادی جدید پیدا کرده و به جذابیت کار بیفزایند.

این کاراکترهای جدید که با حضور بازیگرانی برجسته قوت بیشتری پیدا کردند، در کنار سمت و سوی جذاب این درام به بسترسازی برای تولد یک پدرخوانده یا بزرگ آقای جدید که کاراکتر قباد در پی آن است، از نقاط جذاب و هوشمندانه‌ای است که می‌توان گفت سریال «شهرزاد» را در فصل دوم تازه‌تر و عمیق‌تر کرده است.

البته که درام عاشقانه همچنان برای مخاطب جذابیت دارد اما به نظر می‌آید روزگار و وصل عاشق و معشوق، قوتی همچون دوران ناکامی و تلاش برای وصال و شکست‌های پیاپی ندارد، چراکه واقعیت این است که حرمان، به شکل ذاتی کنش و تأثیر بیشتری برای پیگیری ایجاد می‌کند. این تشخیص دقیق و به جا باعث شده سریال «شهرزاد» در فصل دوم درجا نزنند و برای مخاطب خود غافلگیری و

جذابیت‌های جدیدی را طراحی کرده باشد که البته برای قضاوت و تحلیل دقیق آنها، فرصت بیشتری لازم است.

ساخت سریال برای شبکه نمایش خانگی که ارتباط مستقیم با احترام به مخاطب و سلیقه او چه در قصه‌گویی و ساخت و چه در توزیع و پخش و وفای به عهد و توقعات ایجاد شده در همه سطوح دارد، حضور او به عنوان کارگردان در کنار نویسنده ظریف قلمی همچون نغمه ثمنی، مهمترین سویه توجه و احترام به مخاطب است.

سریالی که با رعایت همه مناسبات متقابل با مخاطب خود، توانست در فصل اول نه تنها به همراهی با این اثر بلکه به کلیت شبکه نمایش خانگی رونق ببخشد و طبعاً توقعات مخاطب را از دیگر سریال‌های این رسانه نیز بالا ببرد.

فصل اول «شهرزاد» با تکیه بر الگوی داستانی یک مثلث عشقی که با پیچ و خم‌ها و فراز و فرودهای هوشمندانه دراماتیزه شده بود، در عین حال مديون تصویرسازی از الگوی زندگی و رفتاری پدرخوانده‌ای و مافیایی در ایران قدیم بود. طبعاً به همین واسطه شخصیت این پدرخوانده یا همان بزرگ آقا تبدیل به کاراکتری جذاب و محبوب شد که با مرگ او در پایان فصل، همه سوال‌های ذهنی مخاطب پیرامون چگونگی پیشرفت درام در فصل دوم و البته ادامه ماجراهای عاشقانه این مثلث عشقی شد.





# پای اکرم و شیرین هم به کامنت مخاطبان باز شد

فصل دوم سریال «شهرزاد» وارد کشمکش‌های جدیدی شده است و همین امر هم باعث شده تا نظرات زیادی در صفحات مجازی این سریال ثبت شود. آنچه در زیر می‌خوانید، تعدادی از کامنت‌هایی است که در صفحه رسمی اینستاگرام سریال درج شده است. همچنین در صفحه دوم، تعدادی از نظراتی که به اکانت (@ShahzadContact) در تلگرام ارسال شده، آمده است:



## کامنت‌های اینستاگرام

دوران بچگیش نگذرونده با بازی کردن و کیف کردن مثل هر طفل دیگر محبت و عطف ندیده فقط کینه و عقده دیده... در قباد یه جوان هست که نمیخواد پیر شه، میخواد پدرش همراهش باشه و راه درست رو نشونش بده. او میخواد مثل هر جوان دیگه، به خواست دل خودش زندگی کنه، حتی اگه چیزی نباشه به خواست دلش ازدواج کنه...! در قباد یه عاشق هست که نمیخواد باور به از دست دادن و قبول نداشتن عشقتش کنه، نمیخواد اون خوشبختی که در تمام زندگیش دنبالش می‌گشته، بازم گمش کنه... در قباد یه پدر هست که

● حامد: مرضیه یه جوری به قباد می‌پره انگار هاشم مثل پسرش باستوریزه بوده. همین هاشم دستاش از قباد هم کثیف‌تره. کل فرش فروشی‌اش رو از نوکری بزرگ آقا داره. معلوم نیست چند تا آدم کشته که بشه وردست بزرگ آقا. بیچاره قباد که هر قدر مودبانه‌تر رفتار می‌کنه بیشتر توهین می‌شونه.

● سحر: در قباد یه طفل معصوم بی‌گناه هست که هنوز نمیخواد بزرگ شه چون محروم شده از ناز پدر و مادرش و سایه خانواده بالای سرش نبوده. مثل هر طفل دیگر



آقای زمانی از همون اوایل فصل قیل منو به شدت با خودش همراه کرد. جوان آزادیخواه و عاشق و جسور دهه ۲۰ که عشقش به شهروزاد در میدان عمل اثبات کرد و الان که همسرش هست در حالی معنا کردن لغت به لغت کلمه خوشبختی برای شهروزاد هستش... فرهاد یک الگو به حساب میاد، یک اسطوره انسانیت و وقار و مردانگی... وجود چنین شخصیتی در سریال امید رو در جامعه ایرانی زنده می کنه، شخصیت فوق العاده‌ای که قطعاً امضای آقای فتحی پای اون هست و با بازی فوق العاده‌ی مصطفی زمانی به بهترین شکل اجرا شد.

● ملیکا ملکبان: رابطه قباد و اکرم نباید انقدر طولانی بشه. حالا اون اول گفتیم بخاطر غرایز مردانه و از این جور حرفا، ولی خب با قسمت هفت و اون حرفایی که تماما از سر دلتنگی قباد به شهروزاد زد، مخاطب توقع نداره تو تیزر قسمت هشت اکرم بگه من زن شرعی آقام.

یه مرد عاشق واقعی مثل قباد چرا باید تو اون مشغله فکریش، تو اون اوضاع درهم زندگی و اطرافش، دنبال هوس خودش اونم با یه کلفت باشه؟ اونم وقتی تو هر دیالوگ با دلگرمی و غرور نسبت به جایگاهی که داره میگه من بزرگ دیوان سالارم؟ یعنی مخاطب باید پای همون آشننگی که شخصیت قباد داره بازه این رابطه رو؟ باید صبر کنیم ببینیم نویسنده‌ها بخاطر این رابطه چه دلایلی در قسمت‌های بعدی دارند؟

● پارسا: راستش فصل اول، عاشق شهروزاد و قباد بودم و از شیرین و فرهاد خوشم نمیومد، مخصوصاً فرهاد چون فقط وانمود می کرد عاشقه ولی قباد عاشق واقعی بود شاید این نظر من هم اشتباه باشه و فقط واسه اینکه کار کتر مورد علاقم قباد بود از فرهاد خوشم نمیومد ولی تو فصل دو تمام علایقم تغییر کرد اما همچنان عاشق شهروزاد و قباد هستم. ولی از شیرین بدم نمیداد بلکه دوستش دارم و به نظرم مورد ظلم واقع شده است. فرهاد هم یکم داره تو فصل دوم جنم مردونه نشون میده و کمی غیرتی میشه. اما قباد دیوان سالار، طفل معصومی که مثل علف هرز رشد کرده که فقط محبت نیاز داره و بس، ولی نمیدونم چرا تو فصل دو یکم تغییرهای منفی کرده ولی همچنان دوستش دارم حتی اگه با اکرم از دواج کنه هم دوستش دارم.

میخواد اون عمری که از زندگیشو موند در کنار بچه و مادر بچه‌اش بگذرونه... همه اینا توی دل قباد جا موند ولی مثل همیشه هیچکسی نیست که درکش کنه...

● بهار: فرهاد خودشو عشقش اثبات کرده، بحث فایده نداره قباد فقط سر تا پا ادعاست. فقط زور کی میخواد شهروزادو برگردونه.

● محمد: چیکار به این شهروزادو فرهادو قباد دارین؟ چیکار میکنن دیگه؟ من دلم برا شیرین و غرغراش تنگ شده جدی. اما هیجان انگیز میشد اگه فرهاد، پسر هاشم و قرص قمر با همون عمه بلقیس میبود. اینجوری یجورایی فرهاد مستحق تر از قباد میشد برای تصاحب مال و اموال دیوان سالارها.

● مریم: قباد عاشق نیست، یعنی عاشقی کردن بلد نیست که هر چند عاشقی باید تو وجود آدم باشه، بلد نیست.

## نظرات ارسالی مخاطبان به تلگرام:

● فاطمه دهقان: یکی از قسمت‌های مهم سریال سه تا خواهر هستند که حمیرا یکی از نقش‌هایی هست که توی فصل دوم مظلوم واقع شده. این درس عبرتیه برای کسانی که جرات رو به رو شدن با مشکلات رو ندارن. به نظر من هنوز هم ما نمیتونیم بگیم که هوشنگ داره خیانت میکنه. حمیرا (نسیم ادبی) باید جرات این رو پیدا کنه تا با مشکلات رو به رو شه.

● فرهاد: ما شهروزادی‌ها هر هفته منتظریم که شاهد جذابتر شدن سریال باشیم. نکته قابل تحسین در این سریال این است که خیلی نکات قابل لمس هم وجود دارد که نمایش داده نمی‌شود ولی قصه به گونه‌ای پیش می‌رود که مخاطب در ذهن خود به آن می‌رسد. از جمله سکانس اختلاف نظر و درگیری قباد با هاشم که خلأ حضور بزرگ آقارو نشون میده. اون صحنه نبودن بزرگتری و تجربه و افتادن امور به دست فردی نااهل را برای بیننده قابل لمس و درک می‌کند.

● مهرناز: شخصیت فرهاد دماوندی با بازی خوب



مردان سریال از زنان آن به مراتب جذاب‌ترند و این عنصر همیشه پویا و قدیمی عشق است که این جذابیت را به آنها می‌دهد.

این بار همه مردانی که سهمی در پیش رفتن داستان دارند، به نوعی توسط نیروی عشق برانگیخته شده‌اند و اصلاً همین خاصیت است که آنها را نسبت به آنچه قبلاً دیدیم دوست‌داشتنی‌تر کرده است.

نغمه ثمنی در کلاس‌های خود و در میحث شخصیت پردازی، نفس «خواستن» را در شکل‌گیری کاراکتر مهم می‌داند و به

◀ سارا کنعانی

# هنوز هم عشق حرف آخر رامی‌زند



زنانه بودن سری دوم «شهرزاد» نسبت به سری اول آن، برداشتی بود که بعد از پخش دو قسمت آغازین توسط مخاطب صورت گرفت اما این زنانه یا مردانه بودن، چطور به ذهن مخاطب می‌رسد؟ آیا همینکه بزرگ آقا از میان رفته باشند و شازده خانومی به نام عمه بلقیس حکمرانی امارت دیوان سالارها را بر عهده گرفته باشد، کافیهست برای آنکه نبض «شهرزاد دو» را در دستان ظریف زنانه تصور کنیم؟ واقعیت این است که حتی اگر این عنوان را برای توصیف سری دوم سریال بپذیریم، نمی‌توانیم از این حقیقت غافل شویم که این بار



موقع لفظ قلم حرف می‌زند و سر بزنگاه، ادبیات کوچه بازاری دارد، چگونه همه بزرگان خانه را می‌پیچاند تا خودش را به خلوت محبوب تازه یافته‌اش برساند.

و اما شاپور با بازی رضا کیانیان، که منحصربه‌فردترین وجه از یک مرد عاشق را به نمایش گذاشته است. او کسی است که برای گرامیداشت سالگرد ازدواج، ایده آوردن ویالونیست‌ها به حیاط خانه و غافلگیر کردن همسرش را در سر می‌پروراند و تو باور نمی‌کنی کسی با این درجه از احساسات بتواند تنها یک ساعت بعد دو نفر از زیردستانش را به قتل برساند. عشق برای این کاراکتر، محور اصلیت، آنقدر که قدرت درک این مفهوم ساده را ندارد که چیده شدن گلدان‌های شمعدانی لب حوض چقدر زیباست و تنها زمانی این کار برای او توجیه پیدا می‌کند که می‌فهمد همسرش چنین دستوری داده است! گویی تمام احساسات بدبهی شری صرفاً با گذشتن از فیلتر عشق است که برای او ملموس و پذیرفتنی می‌شوند.

در «شهرزاد دو» چاشنی عشق و برانگیختگی خاص آن حتی به کاراکترهای مرد فرعی هم اضافه شده است، آنقدر که مثلاً وقتی می‌بینیم اصغر، شاگرد مغازه هاشم هم به دلدادگی میترا، کتاب اکابر به دست گرفته است، او را بیشتر از قبل دوست می‌داریم یا خود هاشم خان زمانی برای ما جذاب‌تر می‌شود که می‌فهمیم قبل از اینکه زندگی‌اش را با مرضیهء مهربان شروع کند، در سال‌های دور با خواهر زیبای بزرگ‌آقا، ماجراهایی داشته است. در این چند قسمتی که از سری جدید شاهد بوده‌ایم دیده‌ایم که حتی همه قربانیان دم مرگ هم، عشق و همسر و زندگی را به عنوان آخرین امید نجات دستمایه قرار می‌دهند.

در پایان باید گفت استراتژی عشق مثل همیشه جواب داده است و نویسندگان «شهرزاد ۲» برای تملیف کردن سریالی که در هر قسمت آن قطعی توسط مردی رخ می‌دهد چاره‌ای نداشتند جز اینکه نشان بدهند حتی دردهلیزهای دهه پراضطراب ۳۰ شمسی هم عشق در هر راهرو خانه کرده بود و مسیر را روشن می‌کرد.

هنر جوانانش تاکید می‌کند چیزی که هر کاراکتر را از دیگری متمایز می‌کند، موضوعات دلخواسته او و قدم‌هاییست که برای رسیدن به آن برمی‌دارد. به نظر می‌رسد او و حسن فتحی با دستمایه قرار دادن چنین الگویی نگارش قسمت‌های جدید را جلو برده‌اند.

در «شهرزاد یک»، تنها فرهاد دماوندی را به عنوان کاراکتر عاشق پیشه سریال می‌شناختیم (و بگذریم که این فرهاد را آنقدرها هم کوهکن و افتاده به آب و آتش برای رسیدن به عشق ندیدیم) اما این بار تمنای بار و زیبایی عشق در اغلب مردان قصه تجلی پیدا کرده و اصلاً شاید برای همین است که بسیاری از مخاطبان در عین حال که بابت دوران وصال و آرامش شهرزاد خوشحالند، ته قلب‌شان می‌خواهند قباد هم به نوعی به زندگی برگردد و گاهی آنچنان با او همذات‌پندار می‌شوند که گستاخی‌ها و تلخ‌زبانی‌هایش هم دلشان را نمی‌زند. چیزی که باعث شده قباد این چنین در دل مخاطب جا شود همان نیروی عشق و خواستن است. نیرویی که حتی ادبیات قباد را تغییر داده است. ارجاع‌تان می‌دهم به یکی از دیالوگ‌های قباد در قسمت‌های میانی «شهرزاد یک» و سکانسی که او و بزرگ‌آقا با پیشنهاد یک فیلمساز برای اسپانسر فیلم مواجه شده بودند. قباد آن روزها حتی بلد نبود در چنین موقعیتی چه نوع مذاکره‌ای باید داشته باشد و تنها جمله‌ای که گفت حرفی بود که از دهان شهرزاد شنیده بود: «فیلم باید به جوری باشه که وسطش بگی خب بعدش چی؟ نه اینکه وقتی تموم شد بگی خب که چی؟» اکنون آن قباد را قیاس کنید با این قباد که بلد است این چنین عاشقانه و رمانتیک بگوید: «باز دلم خوشه شهرزاد توو همین شهره... نزدیک من. بارون که باره هم واس اون می باره هم واس من. نسیم که بوزه هم واس اون می وزه هم واس من».

کاراکتر نصرت هم به واسطه خاطر خواهی شربت یا همان لاله، لایه دیگر شخصیت خود را رو کرده و قطعاً برای مخاطب خیلی هیجان‌انگیز است که ببیند آن مرد تازه آزاد شده از بند و همیشه حاضر به خدمت در رکاب خاندان ارباب که به





اینفوگرافی

مردان در «شهرزاد» اگرچه در سایه قدرت کارهای مختلفی انجام می‌دهند، اما همه آنها عشق نهانی را در دل دارند.

مردان در آینه

شهرزاد

گردآوری: شراره داودی  
طراح گرافیک: مهدیه گودرزی

● قباد

بزرگ تازه خاندان دیوان سالار. از کودکی کسی او را جدی نمی‌گرفته، اما حالا در مرکز توجه قرار دارد. عشقش به شهرزاد، زندگی‌اش را تحت تاثیر قرار داده. قلبی مهربان دارد اما روزگار او را سرد کرده است.

● همایون، صابر

هرجا خودش را به یک نام معرفی کرده. به نظر می‌رسد شیرین را دوست دارد، اما قصدش از کمک به او معلوم نیست؛ عشق یا قدرت؟



شهرزاد  
سینما به سبب

● نصرت

پدر قباد، عشق شربت، کینه جو، جاه طلب و مرموز است. تمام تلاشش را می‌کند که اعتماد قباد را جلب کند.



● تیموری

دو دوزه باز و منفعت طلب است، نیت قلبی‌اش در هیچ شرایطی مشخص نمی‌شود و هر بار پا در رکاب کسی که به نظر سودمندتر است، می‌گذارد.





## ● فرهاد

عاشق پیشه، روشنفکر، آزادیخواه و شاعر مسلک است. از آن آدم‌های اتو کشیده‌ای است که آزارش به مورچه نرسیده و همیشه به اصولش پای بند بوده است.



## ● آپرویز

فرد مرموزی است که دیوان سالارها زیر ذره بینش هستند، اما مدرکی برای اثبات خلافتکاری آن‌ها ندارد. به نظر ماهر می‌آید و به آدم‌های درستی شک می‌کند.



## ● هاشم

همسر و پدری مهربان اما درون گراست. با وجودیکه احساسات زیادی دارد، اما بروز نمی‌دهد. او گذشته رازآلودی دارد و فعلا روبروی زیاده خواهی قباد ایستاده است.



## ● شاپور:

بزرگ خاندان بهبودی است و نوچه هایش را به اشکال مختلف می‌کشد! او همه تلاشش را برای جلب نظر ثریا می‌کند اما خیلی موفق نبوده است.





قباد: اگه بزرگ آقا  
چند صباحی  
زود تر سرشو  
زمین گذاشته  
بود، من و تو و  
امید با هم بودیم،  
از اره و اوره و  
شمسی کوره هم  
خبری نبود.  
شهرزاد: چرا  
نمی‌خوای بفهمی؟  
فرصتی که توی  
زندگی از دست  
رفت، برای  
همیشه از دست  
رفته قباد



بلقیس: تو  
صدام کردی...  
اسمم رو به  
زبون آوردی.  
هاشم: قبلا  
از این اسم  
خوشت  
نمی‌اومد،  
کسر شان بود  
برات... قرص  
قمر... برو به  
سلامت.



شاپور:  
می‌دونی منم  
درد کشیدم،  
ولی تو باید  
آروم شی، تو  
باید بخوابی....



▶ حمیرا: تو چطوری  
 با قباد زندگی  
 کردی؟ عروسی  
 زوری، زندگی  
 زوری....  
 شهرزاد: من تا  
 وقتی زن قباد  
 بودم، خودم رو  
 گشتم که در  
 مکالمه رو باهانش  
 باز نگه دارم.



▶ فرهاد: حرف  
 بزن آقاجون،  
 آقاجون....  
 حرف بزن  
 آقاجووووون



▶ همایون: تو  
 دیوونه نیستی،  
 ولی به نفع  
 قباده که باشی  
 تا باهات متار که  
 کنه و پولات رو  
 هاپولی کنه و یه  
 آبم روش!





شهرزاد از نگاه فیلمبرداران؛

# نورپردازی و تصویربرداری شهرزاد زیر ذره بین

❑ سپیده حیدر آبادی

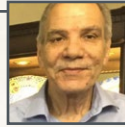
یکی از ویژگی‌های اصلی هر اثری، کیفیت فیلمبرداری و تصویربرداری آن است. سریال «شهرزاد» از ابتدای بخش فصل اول از این منظر مورد اقبال قرار گرفته و در عین حال تاکنون فرصتی پیش نیامده بود تا به صورت تخصصی موضوع تصویربرداری آن مورد بررسی قرار گیرد. «هفته‌نامه شهرزاد» در هفتمین شماره خود، نظر ۱۰ فیلمبردار سینما را در این باره جویا شده است:

بیشتر می‌بینم و می‌خواهم در این موارد بگویم اما از آن جا که در سینمای ما مرسوم نیست کار انجام شده‌ی یک همکار را نقد کنیم، من هم حرف‌هایم را برای خودم نگه داشته بودم تا زمانی که اگر دوستان فیلمبردار فصل دوم شهرزاد را دیدم، برایشان بگویم اما حال این امکان نقد ایجاد شده است. با احترام به دوستان عزیز تصویربردار، به گمان من تصویربرداری فصل اول به مراتب از فصل دوم بهتر و اصولاً با قوام‌تر بود، خاصه در چند قسمت آغازین؛ اجرای فنی نور - خلق فضای به مراتب نزدیک‌تر به جان درام - اختلاف قابل رویت در خلق فضاهای گونه‌گون متناسب با موقعیت‌های نمایشی - عملکرد بهتر دوربین در اجرای میزانشن‌ها - ایجاد موقعیت‌های نوری بهتر به ویژه در سکانسهای شب خارجی و از همه مهم‌تر تن دادن به تاریکی‌های منطقی و کاملاً منطبق بر ریشه‌های دراماتیک اثر.

اما در فصل دوم در کمتر نمایشی صحنه با بازیگران را حتی برای یک ثانیه در نور کم و یا در تاریکی می‌بینیم. نسبت‌های کنتراست اجرایی از سوی طراح نور در شرایط زمانی - مکانی - متفاوت فرقی با یکدیگر ندارند. مثلاً این تناسبات در سکانس: فالگوش ایستادن "اکرم" پشت در زیرزمین که آخر شب قرار است در داستان حس مخفی کاری و توطئه داشته باشد، و در عین حال زندگی مخفیانه "شربت" را منطقی جلوه دهد، با سکانسی که "هاشم" در بیمارستان با "بلقیس" دیدار می‌کند و روز است و حال عاشقانه دارد تفاوت چندانی ندارند. فیلمبردار در هر دو فصل سریال "شهرزاد" از دوربین و ست لنزهای

## جمشید الوندی

به عنوان مدیر فیلمبرداری قدیمی و پیشکسوت که تا امروز نیم قرن در سینمای ایران خدمت کرده،



افتخار می‌کنم که در کشورمان کارگردانی مثل حسن فتحی داریم. من تا به امروز با او کار نکردم اما از دور او را می‌شناسم و عاشق آثار او هستم مخصوصاً «شهرزاد» که از آن استقبال بسیار خوبی شده است. باید بگویم از همه نظر، فتحی در سریال‌سازی کارش حرفه‌ای است و خوب می‌داند که چه باید بسازد و از چه بازیگرانی در سریال‌هایش استفاده کنند. حسن فتحی در کارهایش از هیچ چیزی به آسانی نمی‌گذرد و تصویربرداری این مجموعه نیز بسیار حرفه‌ای است. باید یادآور شوم که خودم و خانواده‌ام شیفته این سریال هستیم.

## داود امیری

سریال «شهرزاد» اتفاقی بس خوشایند است. بسیاری از همکاران و دوستان سینمایی‌ام،



همان دوستانی که سریال‌های خارجی را مداوماً تعقیب می‌کنند؛ از این سریال به نیکی یاد می‌کنند و پس از تماشای هر قسمت، در انتظار بخش قسمت بعدی هستند. «شهرزاد» با تمامی نقاط قوت‌اش، مثل هر سریال دیگری در جاهایی می‌توانست نمره بالاتری داشته باشد. من فیلمبردارم و طبیعی است که فیلمبرداری و نورپردازی را



فصل دوم سریال شهرزاد از نظر محتوایی بسیار خوب است و کمبودی ندارد اما از نظر فنی به دلیل اینکه کار حرفه‌ای ام فیلمبرداری است، تفاوت‌های را احساس می‌کنم.

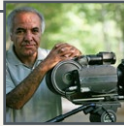
### بهرام بدخشانی



مهمترین نکته‌ای که در ساخت یک سریال در ابتدا در نظر گرفته می‌شود، قصه آن است که خوشبختانه شهرزاد روایت بسیار درستی دارد. سریال شهرزاد فراز و فرودهای زیادی دارد و مخصوصاً اینکه در انتهای هر قسمت، مخاطب را برای قسمت بعدی تشنه نگه می‌دارد و این تخصص فنی است. همه این موارد دست به دست هم می‌دهند تا مجموعه‌ای موفق شود و علاوه بر آن بازیگران خوبی برای حضور در این سریال انتخاب شده‌اند.

در باره تصویربرداری این مجموعه باید یادآور شوم که به نظر می‌آید که در فصل اول، تصویربرداری کامل‌تر و به فضای قصه نزدیک‌تر بود. دلیل اصلی این اتفاق، این است که تاریکی‌ها در این مجموعه بسیار کم دیده می‌شود و روشنایی زیاد مخاطب را اذیت می‌کند. البته در مجموع شهرزاد سریال قابل توجهی است که نظر مخاطبان را به خود جلب کرده است.

### مر تفضی پور صمدی



یکی از تاثیرگذارترین عواملی که باعث شد «شهرزاد» با استقبال مواجه شود حضور حسن فتحی است. زیرا فتحی کارگردانی قدرتمند در شخصیت‌پردازی و بازی گرفتن است. در سریال «مدار صفر درجه» دو سال تجربه کار مشترک با او را دارم و از نزدیک با توانمندی‌هایش آشنا هستم. فتحی کارگردان قدرتمندی در نوشتن و خلق فضای است که می‌تواند متفاوت باشد در عین حال دوره تاریخی را بیان کند. این جذابیت را به خوبی می‌توان در شهرزاد هم دید که پیر، جوان و میانسال همگی از آن استقبال می‌کنند و این اقبال است که نصیب هر فردی نمی‌شود.

از دلایل دیگر موفقیت شهرزاد این است که گروهی از جذاب‌ترین بازیگرانی که مردم آنها را بسیار دوست دارند، در سریال ایفای نقش می‌کنند. باید به حسن فتحی تبریک

بهرتر و در نهایت رنگبندی حرفه‌ای تری بهره برده است. در فصل دوم اصولاً با حضور آقای «کیانیان» گسترش فضای پدرخوانده‌ای و گنگستری به نسبت دیگر فضاهای کاملاً مشهود است. مثلاً قطعه‌ای موسیقی تقریباً آشنا برای تماشاچی با رنگ آمیزی هوشمندانه به دیگر قطعات موسیقی مجموعه الحاق گردیده ولی فضای نوری جدیدی برای این شخصیتها طراحی نشده است. تلاطم درونی این قطعه موسیقی به بار نمایشی صحنه می‌افزاید در حالی که از طراحی فضای متلاطم نوری اثر کمتری می‌توان یافت. به صحنه‌های حضور «کیانیان» در واپسین دقایق عمر نوحه‌های بخت برگشته‌اش که تالخطاتی دیگر خواهند مُرد، دقت کنید. نور گویا وظیفه‌ای برای نمایش درونیات این شخصیت‌ها ندارد.

البته قضاوت در مورد شرایطی که در آن نبوده‌ایم چندان پسندیده نیست. من از شرایط تولید و زمانبندی تصویربرداری پروژه بی‌خبرم و تنها با مقایسه فصول اول و دوم این مطالب را اگفتم.

در انتها باید تاکید کنم به احترام تمامی دوستانی که در «شهرزاد» زحمت کشیده‌اند و رنج شبانه‌روزی برده‌اند، خصوصاً کارگردان فهیم، گروه بازیگران و گروه تصویربرداری عزیز، کلاه از سر برمی‌دارم و آرزو می‌کنم دوستان با بزرگواری به این نقد نگاه کنند. البته یادم نمی‌رود، کار ایشان با نگاه و سلیقه‌ی ایشان قوام یافته و ظهور پیدا کرده و پُر واضح است که نقد من هم ریشه در سلیقه و نگاه شخصی‌ام به مقوله نور و دل‌بستگی‌ام به تاریکی دارد.

### امیر اسدی



تصویربرداری «شهرزاد» مطلوب است البته بین همه فیلمبردارها اختلاف سلیقه‌هایی وجود دارد و به نظر من فصل اول تصویربرداری قابل قبول‌تری داشت. سریالی که به این اندازه مورد استقبال قرار گرفته، می‌توانست تصویربرداری بهتری داشته باشد. در فصل دوم مشکل فنی و نوری وجود دارد. اینکه نورها باهم بالانس نیستند و بعضی جاها بسیار روشن و نورانی و برخی جاها نور ندارد، به نظر من برای این بخش جای کار بیشتری وجود داشت. سریال شهرزاد برای همه مردم دلچسب است. یادم می‌آید پارسال که می‌خواستیم به کانادا بروم، برای دوستان فرهنگی ام سه پک از شهرزاد را هدیه بردم که بسیار خوششان آمد تا آنجا که حتی پیگیر فصل دوم آن شدند.

## مخاطب خاص

### سیدمهدی شکبیا



«شهرزاد» سریال بسیار خوبی است و ثابت کرد کارگردانی بسیار حرفه‌ای دارد که کارش را خوب بلد است و از عهده کار به خوبی برآمده است. همین موضوع موجب شده تا مردم هر هفته پیگیر این سریال باشند. البته کارهای قبلی فتحی را هم دیده بودم و شهرزاد هم مانند سایر آثار او از کیفیت بالایی برخوردار است. در مجموع باید گفت حسن فتحی بهترین سریال‌ساز کشورمان است.

تصویربرداری این مجموعه خوب است. تصاویر مشخص هستند که کار بسیار درست انجام شده است. البته جز این هم نمی‌شد انتظار داشت؛ زیرا حسن فتحی برای آثارش همیشه بهترین‌ها را انتخاب می‌کند. به همین دلیل هم آثارش همیشه بهترین بوده است.

### محمد رضا اسکوت



من از علاقمندان سریال «شهرزاد» و آثار حسن فتحی هستم و اصل مهم درباره استقبال از این سریال به علاقه مخاطبان بر می‌گردد. در شبکه نمایش خانگی دست کارگردان برای موضوعاتی که در تلویزیون نمی‌شود به آن‌ها پرداخت، بازتر است و کارگردان به راحتی می‌تواند سراغ آن موضوعات برود مانند داستان‌هایی با موضوع عشق. صدا و سیما بسیار کم به سراغ موضوعاتی می‌رود که خط اصلی آن‌ها عشق باشد. متأسفانه در صدا و سیما آنقدر ممیزی وجود دارد و آنقدر نگاه‌ها برای پرداختن به موضوعات سخت و بسته است که فیلم‌ها و سریال‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرند، در حالیکه در همه جای دنیا هر موضوعی که به مقوله عشق می‌پردازد، به خوبی مورد استقبال قرار می‌گیرد و مورد توجه قرار می‌گیرد. بهتر است به موضوعات پاک عشقی توجه داشته باشیم و برای پرداختن به آنها دست نویسندگان را باز بگذاریم. متأسفانه در تلویزیون اغلب موضوعات تلخ نمایش داده می‌شود و طبیعی است که مردم از این موضوعات استقبال نکنند.

شهرزاد رنگ و لعاب و قصه خوبی دارد و کارگردان آن حرفه‌ای است و کارش را خوب بلد است، به همین دلیل هم بسیار مورد اقبال قرار گرفته است. مردم سریال‌های

گفت که زود توانست مسیر روایت‌هایش را پیدا کند و هر بار آثارش از مجموعه‌های قبلی جذاب‌تر است. تصویربرداری شهرزاد با این حجم زیاد کار، بسیار خوب است. با توجه به کلاهما، رنگ لعاب‌ها و معماری‌های فضاهای سریال شهرزاد، دست فیلمبردار بازتر است. فصل دوم را بیشتر دوست دارم زیرا تصویربرداری از صحنه‌های بیشتری دارد و به سلیقه مردم نزدیک‌تر است.

### مجتبی رحیمی



تا زمانیکه نام حسن فتحی پشت هر کاری باشد به آن اعتبار می‌دهد. ۴۰ سال است که در سینما فعالیت می‌کنم، ۸۰ فیلم سینمایی و ۲۰ سریال کار کردم و می‌دانم وقتی انرژی مثبتی از کارگردان پشت آثار باشد، قطعاً خواهد درخشید و معتقدم که حتی این انرژی مثبت بر روی مخاطبان نیز تأثیر بسزایی می‌گذارد.

حسن فتحی کارش را خوب بلد است و شخصیت بالایی دارد. به جرات می‌توانم گفت شخصیت، منش و رفتار فتحی در بسیاری از آثارش نهفته است. به ایشان افتخار می‌کنم زیرا در ایران کارگردان خوب مخصوصاً در حوزه سریال‌سازی کم است. متأسفانه به خاطر پایین آمدن سطح سریال‌های تلویزیون، مخاطبان به سمت سریال‌های ماهواره‌ای کشیده شده‌اند. ما همین افراد هر دوشنبه منتظر عرضه قسمت جدید سریال شهرزاد هستیم تا آن را تهیه کنند و ببینند. حتی در بین دوستان و آشنایان دیدم علاوه بر اینکه سریال شهرزاد را دانلود می‌کنند، لوح فشرده آن را هم می‌خرند تا آن را مانند آثار فاخر دیگر، در خانه به یادگاری نگه دارند. همه آثار فتحی خوب بوده است اما شهرزاد لطافت خاصی دارد و حتی خشونت در بین آدم‌های ظالم با لطافت روایت شده است؛ مانند سریال دایی جان ناپلئون که با اینکه مدتهاست از زمان پخش آن گذشته، اما باز هم دوست داریم آن را ببینیم و هنوز هم برای ماتازگی دارد.

درباره تصویربرداری این سریال نمی‌توانم ایرادی از آن گرفت زیرا می‌دانیم فتحی افراد و عواملش را با شناخت و مطالعه انتخاب می‌کند. ۷۰ درصد تصویربرداری شهرزاد خوب است البته در بعضی سکانس‌ها می‌توانست نرمی و لطافت بیشتری داشته باشد. ضمن آنکه به نظرم کنستراتس رنگ‌ها کمی تند است که می‌توانست ملایم‌تر باشد اما در کل سریال بسیار خوبی است و من نیز خودم به شخصه آن را خیلی دوست دارم.





### ساعدنیک ذات



این مدل سریال سازی که ما در شبکه نمایش خانگی داریم، در خارج از ایران هم مرسوم است و آن آثار نیز همانند سریال «شهرزاد» مورد استقبال قرار می گیرند. این اتفاق خوشایندی است که در ایران هم رخ داده است. در سال های گذشته متأسفانه صدا و سیما گرایش های مختلفی به خود گرفته است و از خانواده ها دور شد، این درحالیست که سریال ها معمولاً مخصوص خانواده هاست و آنها را کنار هم قرار می دهد. به همین دلیلی وقتی خانواده ها می بینند در فضای دیگری اتفاق بهتری می افتد که ممیزی هم ندارد از آن استقبال می کنند. ما در کشوری زندگی می کنیم که حافظه صائب تریزی و سعدی را داریم که همه اینها از عشق می گویند در حالیکه در تلویزیون بیان عشق ممنوع است. مردم ما به تلویزیونی مالیات می دهند اما تقاضاهای شان برآورده نمی شود. به همین دلیل هم حاضرند حتی هزینه ای پرداخت و سریال های مورد علاقه شان را تهیه کنند. در سریال شهرزاد مقوله عشق با ظرافت خاصی بیان شده است. شهرزاد علاوه بر فضای عاشقانه و رمانتیک استانداردهای مهم سریال سازی را رعایت کرده است. شهرزاد فضایی را بوجود آورده که آدم ها خودشان را در این مجموعه می بینند؛ تا آنجا که حس می کنند شخصیت های شهرزاد، مثبت و منفی نیستند و با خوبی ها و بدی ها تغییر می کنند. تصویربرداری مجموعه از منظر من در فصل دوم بهتر است. زیرا فیلمبرداری بازخوردهای که در بخش اول از مردم گرفته را به تجربیات خود افزوده و از آنها در فصل دوم نیز استفاده کرده است. فصل دوم این مجموعه سرگرمی، زیبایی و شفافیت زیادی دارد و علاوه بر آن، وقتی امضای حسن فتحی را بر اثری می بینم، می توانم اطمینان پیدا کنیم که آن سریال به خوبی خواهد درخشید. فتحی در سریال سازی بسیار متعهد است؛ به همان اندازه که کارگردان های سینما در ساخت آثارشان حساس هستند. علاوه بر این، یکی از نکات مثبت این مجموعه، استفاده از بازیگران حرفه ای و توانمند است. سریال های خارجی از نظر نوع کیفیت تصویر تفاوتی بین سریال و فیلم سینمایی قائل نیستند، این مقوله نیز در سریال شهرزاد به خوبی مشهود است. یعنی استانداردها در تولید شهرزاد رعایت شده است. به همین دلیل همه مردم این مجموعه را می بینند و در بین آنها مقبولیت زیادی پیدا کرده است.

ضعیف را نمی پسندند و تجربه موفق شهرزاد نشان داد که حتی یک هفته منتظر می مانند و هزینه برای دیدن فیلم و سریال مورد علاقه شان پرداخت می کنند. درباره تصویربرداری باید بگویم که به شخصه تصویربرداری فصل اول سریال را بیشتر دوست داشتم زیرا با کارآفرین احمدی و حسن فتحی آشنا هستم. البته الان هم کار تصویربرداری نقاط زیادی دارداما قدرت تصویربرداری در فصل اول بیشتر و تکنیک ها بیشتر رعایت شده بود. در مجموع به دلیل اینکه مردم رنگ آمیزی که ترکیبی از طراحی صحنه و تصویربرداری است را می پسندند، من هم می پسندم زیرا مردم اصلی ترین وجه حرفه ما هستند و نباید صرفاً نگاه آرتیستیک داشته باشیم.

### تورج منصوروی



سریال «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی سریالی است که با استقبال انبوهی مواجه شده است. حال سوال ما از مسئولان تلویزیون این است که چطور می شود، سریالی بیرون از تلویزیون با تمامی قواعد کشور ساخته شود و در سوپر مارکت ها مخاطب زیادتری را نسبت به برنامه های پر هزینه تلویزیون جذب کند؟ خوب است مسئولین تلویزیون پاسخ دهند که آیا می خواهند به همین صورت مخاطبان خود را از دست بدهند؟ اگر جوابشان مثبت است که باید گفت راه درستی را انتخاب کرده اند و اگر منفی است، باید بازنگری ای در برنامه ها و سریال های تولیدی شان داشته باشند. به نظر من سریال شهرزاد راه را باز کرد و این راه همچنان در حال گشوده شدن است. الزامی وجود ندارد که یک سریال از تلویزیون پخش شود تا مخاطبان در تلویزیون به دیدن آن بنشینند، بلکه سریال می تواند ساخته تلویزیون نباشد اما مردم آن را از تلویزیون تماشا کنند. تلویزیون پول زیادی از تبلیغات بدست می آورد اما کیفیت ساخت سریال های آن روز به روز تنزل پیدا کرده است. سریال شهرزاد نمونه بارز از چیزی است که در تلویزیون قابل تولید است و نشان داد که می تواند مخاطب زیادی داشته باشد. قطعاً سریالی که هزینه زیادی برای بخش های مختلف آن شده، حساسیت های زیادی هم از جانب کارگردان برای تصویربرداری وجود دارد. هر سریالی نقاط مثبت و وضعی دارد که شامل شهرزاد هم می شود که در این بحث کوتاه نمی توان با جزئیات به آن وارد شد.



به روال مرسوم هفته نامه مجازی شهرزاد، بخشی از هر شماره به نظرات اهالی رسانه اختصاص دارد. در شماره هفتم، خبرنگاران ادبیات نظرات خود را درباره سریال شهرزاد بیان کردند:



# ایرانی بودن، مهمترین شاخصه شهرزاد



## محسن فرجی (مجلات همشهری)



آثار هنری و فرهنگی. به نظرم این اتفاق در مورد سریال «شهرزاد» هم افتاده است. یعنی یک قصه خیلی مختصر - مثلاً عشقی در یک دوره تاریخی خاص - با یک پرداخت خوب و دقیق، تبدیل به کاری دیدنی و دلچسب شده است. منظورم از پرداخت هم در اینجا فقط کارگردانی نیست، بلکه همه اجزا و عوامل و آدم‌هایی است که با هم به یک کار «ریتیم» می‌دهند، گرچه سکان ماجرا در نهایت به دست کارگردان است. از جمله این افراد هم به نظرم حتماً باید از خانم نغمه ثمنی نام برد

نمی‌دانم فیلم «خواب سفید» رایه خاطر می‌آورید یا نه؛ مرد شیرین عقلی که نادانسته دلباخته زنی متاهل شده بود و ناگهان واقعیت، سمج و عربان، از پرده بیرون می‌افتاد. همین قصه خیلی کوتاه و یک خطی با پرداخت استادانه حمید جبلی تبدیل به اثری شد که حلاوتش هنوز در دل و ذهن خیلی‌ها هست، منظورم از بیان این مثال، اشاره به مبحث مهم «پرداخت» است که می‌تواند از دل ساده‌ترین و دم‌دستی‌ترین سوژه‌ها برسد به درخشان‌ترین

همین اصالت‌ها به ماست. یادآوری ایرانی زیستن و آزادانه اندیشیدن.

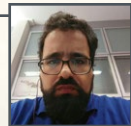
گاهی که فرصتی پیش بیاید و از قصه شهرزاد خودم را جدا می‌کنم و به صورت یک کلیت به این مجموعه نگاه می‌کنم، رشک می‌برم به اندیشه‌ای که ایرانی بودن و اندیشیدن را به شکلی بیان می‌کند که توی ذوق آدم نمی‌خورد. رشک می‌برم به داستانی که همه آدم‌ها، جایگاه‌شان، حریم‌شان، خانه‌هایشان، لباس‌هایشان، غم‌ها و شادی‌هایشان و حتی شکل و سیاق عاشق شدن‌هایشان آنقدر اصالت ایرانی ما را درست به رخمان کشیده که می‌توانیم با سربلندی برای هر بخش از دنیای روی دست بلندش کنیم و حتی به آدم‌های بد قصه‌اش، کشته‌شده‌هایش، عاشقان معوم و سرخوردگان‌ش هم بنازیم.

من همواره بر این باور بوده‌ام، جنس با اصالت جنسی است که همه اجزای آن درست در سر جای خود هستند و کارکردشان در خدمت کلیت واحدی است. شهرزاد و متن آن برای من تاکنون چنین حسی را نداشته است. داستانی که همه اجزا آن درست و به قاعده با هم ترکیب شده‌اند و روایتی را ساخته‌اند که قبل از هر چیز قصه است و در کنار آن به شکل افتخارآمیزی ایرانی است و با همین اصالت ایرانی راوی بغض‌های فروخته نسل‌هایی از ایرانیان شده که برای بلند کردن فریاد آزادی خواهی و حتی عاشقی از گلوبشان، روزها و سال‌ها تیغ بر گلوبشان کشیده شده است. ایرانی بودن مهمترین خاصیت شهرزاد است و توجه به چنین خاصیتی گام اول برندسازی برای تولید یک اثر نیز هست. حالا ما این روزها با برندی مواجهیم که از قضا وطنی و شدت علاقه‌مندی مخاطب به آن در مقابل انواع و اقسام نمونه‌های غیر وطنی‌اش، کار را به جایی رسانده که زمان صرف شده برای دیدن و گفتن درباره‌اش، عرصه را برای رقیب خارجی‌اش در ما، بیشتر از آن نباشد، کمتر هم نیست. این یعنی مخاطب ایرانی جنس اصیل را حتی اگر تولید وطنی باشد و در معرض پیش قضاوت‌های وطنی، دقیق و رانداز می‌کند و چه بسا همواره تر جی‌چش دهد. تا باد چنین بادا.

که بخش عمده‌ای از این حلقه پرداخت را تکمیل کرده است، چون از همین قصه یک خطی، روایتی مسوس و چندلایه بیرون کشیده است. آن هم در قالب فیلمنامه‌ای که با وجود جذابیت و خوشایند بودن برای عامه مخاطبان، به ورطه سطحی بودن نمی‌غلتد و در پس روایت قصه‌اش، حرف‌هایی اساسی و عمیق در باب وجود گوناگون روان انسان می‌زند، مثل بدخویی و شرارت، تنگ‌نظری و زیاده‌خواهی و البته شفقت و گذشت و ترس و خودخواهی و بخشش و... .

درباره‌ی نکات فنی کار هم که بخشی از همین پرداخت را تشکیل می‌دهد، باید اهل فن نظر بدهند. اما من به عنوان یک مخاطب پیگیر سینما و هنرهای تصویری، آقای حسن فتحی را در شهرزاد همان کارگردانی می‌بینم که سریال «شب دهم» و فیلم خیلی خوب «کیفر» را ساخته بود. او حالا با همان توانمندی، به عنوان سرحلقه پرداخت این سریال، ریتمی متعادل به هم‌هی اجزا و عناصر آن بخشیده و اثری به مخاطب عرضه کرده است که اگر هم تلویزیون را دوست ندارد، حداقل در زمان پخش سریال شهرزاد با آن آشتی کند.

### حمید نورشمسی (مهر)



نشسته بودم در تاکسی و زیر چشمی به صورت راننده نگاه می‌کردم و خیابان شلوغی که ره‌وپرویش بود. راننده صدای رادیو ماشینش را بلند کرد. صدای او پس او پس از آن بلند شد و بعد چند لحظه از دل آن ملودی عجیب دیدم که کسی دارد شعر مشهور «حیدر بابایه سلام...» شهریار را می‌خواند. راننده ناخودآگاه گفت: اصالت همه چیزمون از دست رفته. این شعر که همیشه ملودی و موسیقیش برای ما خاطره داشته هم باید این بلا سرش بیاد. این را گفت و رادیویش را خاموش کرد. به نظرم مهمترین اتفاقی که سریالی مثل شهرزاد برای من و همه بینندگان‌ش رقم زده است یادآوری



# قاب آینده

قسمت هشتم



خانواده دماوندی خوشحال از بازگشت هاشم خان.



بازگشت هوشنگ (امین ناصر نصیر)



اصغری (ایلیا جمالی) و نگاه های زیر چشمی



❖ قباد (شهاب حسینی)



❖ عمه بلقیس (رویا نونهالی)



❖ شیرین (پریسا ایزدان) از دارالمجانین فرار می کند







فصل دوم  
شهرزاد  
عرضه قسمت هشتم: دوشنبه ۲۳ مرداد ماه